

در ادامه نشست‌های بررسی سینمای ایران و جهان در روزنامه جام‌جم، بهزاد زهرایی منتقد و مدرس سینما و از مدرسان «مدرسه نقد» جام‌جم، سیدعلی ماه، مجید محمدزمانی و شهاب‌الدین عالمی از هنرجویان مدرسه نقد به بررسی سینمای ملی پرداختند.

سینمای ملی، مفهومی پیچیده و چندوجهی است که بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و دغدغه‌های یک ملت در قالب تصاویر متحرک است. این مفهوم، همواره با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌رو بوده که ازجمله آنها می‌توان به فقدان سیاست‌های فرهنگی مدون، غلبه منطق بازار، کاهش مخاطبان و محدودیت‌های مضمونی اشاره کرد. برای بیرون‌رفت از این وضعیت و تقویت سینمای ملی، لازم است راهکارهای عملی و مبتنی بر واقعیت اتخاذ شود. تدوین سیاست‌های فرهنگی جامع، ایجاد تنوع در مضامین و ژانرها، تقویت ارتباط بین سینما و جامعه، حمایت از هنرمندان مستقل و اصلاح ساختارهای سینمایی، ازجمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به توسعه سینمای ملی کمک کنند. همچنین، تغییر نگرش از سینمای دولتی به سینمای مردمی و تأکید بر نقش تسهیلگر دولت و رسانه‌ها، می‌تواند در این مسیر، مؤثر واقع شود. هدف غایی، خلق آثاری است که با زبانی صمیمی، مخاطبان را به تأمل و تفکر وادارد.

#### مفهوم سینمای ملی، هویتی در تعامل با جامعه

**زهرایی:** نشست حاضر به بررسی ابعاد گوناگون «سینمای ملی» اختصاص دارد. هدف اصلی، واکاوی این مفهوم نه صرفاً از منظر فرم و تکنیک‌های سینمایی بلکه بیشتر از منظر محتوا، دغدغه‌های اجتماعی و نقش آن در بازتاب و پیشبرد اهداف فرهنگی جامعه است. چراکه در عرصه فرم و ریخت‌شناسی، سینمای ایران به‌سختی می‌تواند ادعای هویت مستقل و تعریف‌شده‌ای داشته باشد. در قیاس با سینمای ملی، ژاپن که با امضای هنرمندانی چون کوروساوا و اوزو، سبک و فرم مشخصی دارد، یا هالیوود «سینمای ملی آمریکا» با رویکرد مونتاژ منحصربه‌فرد و ژانرهای تثبیت‌شده (تریلر، جاسوسی، وسترن و...)، سینمای ایران در این حوزه فاقد ویژگی‌های متمایزکننده است. این به معنای عدم ارزش و اهمیت سینمای ایران نیست بلکه به این معناست که باید تعریف «سینمای ملی» برای این سینما در جایی غیر از آنچه به‌طور معمول مطرح می‌شود، جست‌وجو شود.

در این میان، نام عباس کیارستمی به‌عنوان تنها فیلمساز صاحب سبک به معنای واقعی کلمه در سینمای ایران و جهان مطرح می‌شود. او با خلاقیت، نوآوری و سبک بصری منحصربه‌فرد خود، در عرصه فرم و ریخت‌شناسی سینمایی (فرم) توانست نام خود را در عرصه بین‌المللی مطرح کند و تحسین همگان را برانگیزد. هرچند سینماگران برجسته دیگری مانند سهراب شهید ثالث، ابراهیم گلستان، داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی نیز در تاریخ سینمای ایران نقش بسزایی داشته‌اند اما عمده فعالیت آنها در راستای بازنمایی سبک و سیاق سینمای مدرن جهان بوده و کمتر به ارائه یک فرم و زبان جدید و منحصربه‌فرد معطوف شده است.

در این نشست، منظور از سینمای ملی، فراتر از صرفاً یک برجسب جغرافیایی یا مجموعه‌ای از فیلم‌های تولیدشده در یک کشور است؛ بلکه منظور محتوایی سینمایی است که دغدغه‌مند، مسئولیت‌پذیر و آینده‌نگر باشد. سینمایی که به مسائل و چالش‌های اساسی جامعه می‌پردازد، ریشه‌ها و علل آنها را واکاوی می‌کند و درعین‌حال، به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای آنها می‌پردازد. به بیان دقیق‌تر، سینمای ملی ایده‌آل، سینمایی است که کارشناسان و متخصصان آن، با درک عمیق از تحولات جامعه و روندهای جهانی، قادر باشند مشکلات و چالش‌های فرهنگی آینده، مانند تهاجم فرهنگی و آسیب‌های فضای مجازی و تبعات رخنه فرهنگ غربی را پیش‌بینی کنند. این سینما باید با تولید محتوای مناسب، خط‌دهی و ارائه راهکارهای عملی، تلاش کند تا از وقوع موضوعات فوق‌الذکر جلوگیری کرده یا اثرات منفی آنها را به حداقل برساند. به این ترتیب، سینمای ملی نه تنها یک سرگرمی بلکه ابزاری قدرتمند برای هدایت جامعه به‌سوی اعتلادر مسیر درست و سعادت همگان است.

مثال بارز آنان سریال تلویزیونی ژاپنی «از سرزمین شمالی»، یک نمونه برجسته از یک اثر ملی بسیار موفق است. این سریال که به مدت ۲۱ سال در ژاپن تولید و پخش شد، نقش بسزایی در بسترسازی فرهنگی و حتی توسعه صنعتی این کشور ایفا کرد.

از سرزمین شمالی با پرداختن به مسائل روزمره و نیازهای جامعه، توانست مخاطبان گسترده‌ای را جذب کند و با ایجاد یک دهکده سینمایی و امروزه محلی برای بازدید و جذب گردشگر تبدیل شده‌است. این سریال، به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند، در تربیت نسل‌ها و ترویج ارزش‌های ملی ژاپن نقش بسیار مهمی ایفا کرد. حال تصور می‌کنم یک اثر سینمایی ملی، باید به این سؤالات پاسخ دهد: ما که هستیم؟ چه می‌خواهیم؟ به چه افقی چشم دوخته‌ایم؟ و با چه ابزار و روش‌هایی می‌خواهیم به آن هدف دست یابیم؟ و مهم‌تر از همه، باید تصویری روشن از جامعه پس از رسیدن به هدف ارائه شود تا مردم را به حرکت در این مسیر تشویق کند.

**زمانی:** سینمای ملی باید دغدغه‌های ملت را دربر بگیرد و به مسائل روز جامعه، تاریخ، فرهنگ، امنیت و هویت ملی بپردازد. این سینما، الزاماً سینمایی نیست که فقط در جغرافیای یک کشور ساخته شود.

مهم این است که دغدغه‌های ملی را بازتاب دهد. دغدغه ملی زمانی محقق می‌شود که هنرمند بتواند سینمای سینمای مستقل خودش را داشته باشد. این به معنای استقلال از شهرت، پول و همه اینهاست. یک نوع استقلال درونی باید در هنرمند وجود داشته باشد. هنرمند باید با بدنه اجتماع ارتباط نزدیکی داشته باشد. متأسفانه، هنر ماکمی از بدنه اجتماع فاصله گرفته و به‌درستی در آن ادغام نشده است. هنرمندی که می‌خواهد درباره فقر فیلم بسازد اما خودش فقیرانه زندگی نکرده و فقر را لمس نکرده، فیلمش اغراق‌آمیز می‌شود.

سینمای ملی باید هویت ایرانی را در مرکز توجه خود قرار دهد. این سینما باید بازتاب‌دهنده فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های ایرانی باشد و از تقلید کورکورانه از سینمای دیگر کشورها پرهیز کند. به‌جای بلندگویی مسئولان، جناح‌ها، دولت‌ها باید بلندگویی مردم و ملت باشد و در خدمت ملت باشد.

**سیدعلی ماه:** سینمای ملی فراتر از صرف تولید فیلم در یک جغرافیا، روایتی تصویری از زندگی، دغدغه‌ها و هویت یک ملت است. این سینما، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بصری، به کاوش در اعماق فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های یک جامعه می‌پردازد و تصویری جامع از واقعیت‌های آن ارائه می‌دهد. فیلم‌های ملی می‌توانند در قالب‌های گوناگونی همچون فیلم‌های بلند و کوتاه داستانی، مستند و پویانمایی ظهور کنند اما وجه اشتراک آنها، پرداختن به مسائل و موضوعاتی است که با زندگی شهروندان یک کشور ارتباط مستقیم دارند.

سینمای ملی نباید با فیلم‌های اقتباسی که صرفاً به تقلید از الگوهای خارجی می‌پردازند، اشتباه گرفته شود. درحالی‌که الهام‌گیری از آثار سینمایی دیگر کشورها امری طبیعی است اما سینمای ملی باید ریشه در فرهنگ و هویت خود داشته باشد و به بازتاب دغدغه‌های بومی بپردازد؛ به عبارت دیگر، سینمای ملی باید «بومی‌گرا» باشد و با نگاهی انتقادی و سازنده به مسائل داخلی بپردازد.

علاوه بر این، سینمای ملی نیازمند یک اکوسیستم پویا و پیکارچه‌است که شامل عناصر زیر باشد:

❖ اقتصاد: سینمای ملی باید به‌عنوان یک صنعت سودآور عمل کند و با ایجاد گردش مالی مناسب، زمینه را برای تولید آثار باکیفیت فراهم کند. این امر مستلزم وجود تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و سالن‌های سینماست که به‌صورت هماهنگ عمل کنند.

❖ فرهنگ: فیلم‌های ملی باید به میراث فرهنگی، سنت‌ها، هنرها و ارزش‌های یک جامعه احترام بگذارند و تصویری واقعی از زندگی، مشکلات، نیازها، اهداف و آرمان‌های مردم ارائه دهند. سینما باید به بررسی روابط بین‌فرد و جامعه و نهادهای مختلف (خانواده، دین، اقتصاد و حکومت) بپردازد و نقش و مسئولیت هریک را در قبال دیگری مشخص کند.

❖ سرگرمی: سینمای ملی باید بتواند مخاطبان را سرگرم کند و لحظات خوشی را برای آنها فراهم کند. سرگرمی در سینما نباید به معنای سطحی‌نگری و بی‌توجهی به مسائل جدی جامعه باشد بلکه باید با ارائه داستان‌های جذاب و شخصیت‌های باورپذیر، مخاطبان را به تفکر و تأمل وادارد.

در نهایت سینمای ملی باید با زبانی امروزی و قابل فهم، به مسائل و چالش‌های روز جامعه بپردازد و با ایجاد همذات‌پنداری و همدلی، مخاطبان را به مشارکت و تفکر دعوت کند. فیلم‌های ملی باید بتوانند با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنند و به آنها احساس هویت و تعلق خاطر القا کنند. **عالمی:** بحث در باب سینمای ملی، در واقع کندوکاوی است پیرامون چگونگی بازنمایی هویت یک ملت در قالب تصاویر متحرک. این مفهوم، فراتر از صرف ساخت فیلم در جغرافیای یک کشور، به دنبال یافتن عناصری است که این آثار را از تولیدات سینمایی سایر ملل متمایز می‌سازد. سؤال اساسی اینجااست: آیا یک اثر سینمایی که از ساختارها و الگوهای روایی وام گرفته از سینمای غرب بهره می‌برد، می‌تواند

درعین‌حال حامل مؤلفه‌های هویت ملی باشد؟ آیا فرم و محتوا در این میان در تعارض قرار می‌گیرند؟ برخی بر این باورند که فرم‌های سینمایی غربی، به ذات خود، با محتوای بومی و ملی سازگار نیستند و نمی‌توانند به‌درستی بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، باورها و سنت‌های یک جامعه باشند. از سوی دیگر پدیده جهانی‌شدن و گسترش مفهوم «شهروند جهانی» این پرسش را پیش می‌کشد که آیا اساساً می‌توان سینما را به مرزهای یک دولت ـ ملت خاص محدود کرد؟ تولیدات مشترک سینمایی که با سرمایه‌گذاری و مشارکت کشورهای مختلف ساخته می‌شوند، نمونه‌ای از این چالش هستند.

با وجود این، تجربه‌های سینمایی نشان داده‌اند که می‌توان آثاری خلق کرد که در عین بهره‌گیری از زبان و تکنیک‌های سینمایی مدرن، ریشه در فرهنگ و هویت بومی داشته باشند. این آثار با پرداختن به مسائل ودغدغه‌های خاص یک جامعه، بازتاب‌دهنده ذهنیت، احساسات و تجربیات جمعی آن ملت هستند. در این حالت، حتی اگر فرم و ساختار فیلم، عناصری وام گرفته از سینمای جهانی داشته باشد، محتوا و مضامین آن، گویای هویت ملی خواهند بود.

به عبارت دیگر، سینمای ملی، سینمایی است که در تلاش برای یافتن زبان بصری و روایی خاص خود، به بازنمایی هویت فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی، دغدغه‌های اقتصادی و باورهای دینی یک ملت می‌پردازد. این سینما، می‌تواند با بهره‌گیری از عناصر بومی، داستان‌هایی خلق کند تا در عین حال که برای مخاطبان داخلی قابل فهم و ملموس است، برای مخاطبان خارجی نیز جذاب و آموزنده باشد. سینمای ملی می‌تواند آینه‌ای باشد که جامعه در آن، تصویر خود را با تمام زیبایی‌ها و کاستی‌ها ببیند و به درک بهتری از هویت و جایگاه خود در جهان دست یابد.

#### چالش‌ها و موانع در مسیر سینمای ملی

**زهرایی:** در شرایط کنونی، سهم نهاده‌ها و ارگان‌های دولتی در تولید فیلم و محتوای سینمایی در ایران به حدود ۹۵ درصد می‌رسد. این تمرکز قدرت، مزایا و معایبی دارد. یکی از مهم‌ترین معایب این وضعیت، عدم هماهنگی و هم‌افزایی بین نهاده‌هاست. به‌عنوان مثال، ممکن است چند فیلم با موضوعات مشابه و بدون برنامه‌ریزی قبلی تولید شود، درحالی‌که بسیاری از موضوعات مهم و قابل توجه دیگر جامعه به‌طور کامل نادیده گرفته می‌شود.

علاوه بر این در بسیاری از فیلم‌های تولیدشده، تمرکز اصلی بر نمایش شرح‌حال افراد در جایگاه‌های خاص و برجسته است و کمتر به زندگی و دغدغه‌های

مردم عادی کوچ و بازار پرداخته می‌شود. این امر موجب می‌شود بخش بزرگی از جامعه نادیده گرفته شده و از بازتاب مشکلات و نیازهای آنها در سینما غفلت شود.

مسأله «گروه‌گرایی» و عدم وجود یک دیدگاه واحد و منسجم نسبت به سینما نیز از چالش‌های مهم سینمای ملی ایران است. جناح‌های مختلف با رویکردها و سلیقه‌های متفاوت به سینما نگاه می‌کنند و این امر منجر به برخوردهای سلیقه‌ای و اعمال‌نظرهای شخصی در فرآیند تولید و توزیع فیلم‌ها می‌شود. متأسفانه هنوز درک درست، عمیق و جامعی از هنر سینما و زبان خاص آن در میان اکثر مسئولان و تصمیم‌گیران وجود ندارد و با روش کهنه و ناکارآمد پیام‌دهی مستقیم و شعاری و دستوری در ساخت فیلم‌ها همچنان به‌کار خود ادامه می‌دهند.

**زمانی:** قبل از انقلاب، یک‌سری فیلمفارسی داشتیم و یک‌سری فیلم موج نو که در واقع متعلق به خودمان نبودند و اقتباسی بودند. وقتی وارد دهه ۷۰ شدیم و فرآیندهای اقتصادی تغییر کرد، هنرمندان ما به سمت گیشه‌سازی رفتند. هنرمند اسیر پول شد و هر چیزی که می‌ساخت، دیگر متعلق به خودش نبود بلکه صرفاً برای گیشه بود. در دهه‌های بعدی هم شاهد ساخت فیلم‌های سفارشی از سوی ارگان‌های مختلف بودیم اما باز هم این فیلم‌ها متعلق به خود هنرمند نبودند و آن استقلال فرمی در آنها دیده نمی‌شد. هنرمند ما آن قدر از بدنه جامعه فاصله گرفته که مسائل واقعی آن را درک نمی‌کند. در نتیجه یا به دنبال ساخت فیلم‌های گیشه‌ای می‌رود تا پول بیشتری به‌دست آورد، یا به سراغ فیلم‌های اقتباسی و فرم‌های بیگانه می‌رود تا در جشنواره‌های خارجی

جایزه‌ای کسب کند. این نگاه باعث شده که این سینما از دل مردم، صدای مردم دیگر نباشد به‌دلیل دیدگاه سلیقه‌ای و جناحی آن سینمای ملی که از دل مردم بجوشد آن شکل نمی‌گیرد. این مسائل باعث شده که نتوانیم آن عطش مخاطب را جواب دهیم و باعث شده از فرهنگ خودی فاصله بگیریم.

**سیدعلی ماه:** سینمای ایران، به‌رغم پتانسیل‌های فراوان، با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌روست که مانع از شکل‌گیری یک سینمای ملی قوی و مستقل شده است. این چالش‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

❖ چالش‌های تاریخی: سینمای ایران در طول تاریخ خود، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشته که مسیر آن را تحت تأثیر قرار داده‌اند. ازجمله این عوامل می‌توان به تأثیر سینمای قبل از انقلاب، سینمای پس از انقلاب، سینمای جنگی و سینمای گیشه‌پسند اشاره کرد. هر یک از این دوره‌ها، ویژگی‌ها و محدودیت‌های خاص خود را داشته‌اند که باعث شده‌اند سینمای ایران نتواند به یک هویت ملی منسجم دست یابد.

❖ چالش‌های ساختاری: سینمای ایران با مشکلات ساختاری متعددی روبه‌روست که مانع از توسعه و پیشرفت آن شده‌اند؛ ازجمله این مشکلات می‌توان به عدم هماهنگی بین ارگان‌ها و نهادهای مختلف، تأثیر سینمای خارجی، عدم حمایت کافی از فیلمسازان و عدم توجه به سلیقه مخاطبان اشاره کرد.

❖ فاصله فیلمساز از دغدغه‌های واقعی مردم: یکی از مهم‌ترین چالش‌های سینمای ایران، فاصله گرفتن فیلمسازان از دغدغه‌های واقعی مردم است. بسیاری از فیلمسازان به جای پرداختن به مسائل و مشکلات

در مدرسه نقد جام جم سینمای

# هویت ایرانی در ق

جامعه به‌دنبال ساخت فیلم‌های گیشه‌پسند یا جشنواره‌ای هستند که هیچ ارتباطی با زندگی واقعی مردم ندارند.

برای غلبه بر این چالش‌ها، لازم است که سینمای ایران به یک خودآگاهی تاریخی دست یابد و با بررسی انتقادی گذشته خود، به‌دنبال راهکارهایی برای بهبود شرایط باشد. همچنین لازم است که ساختارهای سینمایی اصلاح شوند و با ایجاد هماهنگی بین ارگان‌ها و نهادهای مختلف، زمینه برای تولید آثار باکیفیت و متنوع فراهم شود.

**عالمی:** سینمای ملی ایران، با وجود ظرفیت‌های بالقوه فیراوان، با چالش‌ها و موانع متعددی روبه‌روست که مانع از شکل‌گیری یک سینمای ملی قوی و تأثیرگذار شده است. این چالش‌ها، ریشه در عوامل مختلف زیر دارد:

❖ الف) فقدان سیاست‌های فرهنگی جامع و مدون: یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی سینمای ملی، عدم وجود سیاست‌های فرهنگی بلندمدت و کارآمد است که بتواند از تولید و ترویج آثار سینمایی با هویت ملی حمایت کند. تغییر رویکرد‌ها و سیاست‌های فرهنگی با تغییر دولت‌ها، موجب ناپایداری و سردرگمی در این عرصه شده است.

❖ ب) غلبه منطق بازار: در سال‌های اخیر، با ورود بخش خصوصی به عرصه تولید فیلم، منطق بازار و سودآوری، بر ارزش‌های فرهنگی و هنری غلبه کرده است. بسیاری از تهیه‌کنندگان، به‌جای تمرکز بر کیفیت و محتوای فیلم، در پی تولید آثاری هستند که بتوانند در گیشه موفق باشند. این امر، موجب تولید فیلم‌های سطحی و کم‌مایه و فاقد عمق و اصالت شده است.

❖ ج) کاهش مخاطبان: متأسفانه در سال‌های اخیر، تعداد تماشاگران سینما در ایران به‌طور



چشمگیری کاهش یافته است. این امر، نشان‌دهنده شکاف بین سینما و جامعه است و بیانگر این واقعیت است که فیلم‌ها تولیدشده، نتوانسته‌اند با نیازها و دغدغه‌های مردم ارتباط برقرار کنند.

❖ د) محدودیت‌های مضمونی: برخی از سیاست‌گذاران، به‌اشتباه سینمای ملی را محدود به موضوعات خاصی مانند دفاع مقدس و اسطوره‌سازی از شهدا می‌کنند. این رویکرد، موجب نادیده گرفتن سایر مسائل و موضوعات مهم جامعه می‌شود و از تنوع و گوناگونی مضامین در سینما جلوگیری می‌کند. ❖ ه) مشکلات ساختاری: سازمان سینمایی و دیگر نهادهای متولی سینما، مشکلات ساختاری متعددی دارند ازجمله نبود دبیرخانه دائمی جشنواره فیلم فجر و تعیین شدن رئیس برای بنیاد

سینمایی قارایی، این مشکلات، موجب مخاطبان: سال‌های اخیر، تعداد تماشاگران سینما در ایران به‌طور

